

چهل عامل بین‌الشهیدین

تأملی درباره تاریخ تشیع در جبل عامل

• محمد کاظم رحمتی

■ جبل عامل بین‌الشهیدین: الحركة الفكرية في جبل عامل في قرنین
■ جعفر المهاجر
■ المعهد الفرنسي لشرق الأدنى، (دمشق، ۲۰۰۵م).

اشاره: تاریخ تشیع در فاصله شهادت شهید اول محمد بن مکی (۷۸۶ق/ ۱۳۸۴م) تا شهادت شهید ثانی (۹۶۵ق/ ۱۵۵۷م) یکی از ادوار کمتر شناخته شده، است و بیش‌ترین آگاهی ما در این باره، به گزارش‌های بسیار کوتاه شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳- ۱۱۰۴ق/ ۱۶۲۳- ۱۶۹۲م) در کتاب امل‌الأمّل فی ذکر علماء جبل عامل محدود می‌شود. مأخذ دیگری که می‌توان اطلاعات بسیار دقیقی از تاریخ تشیع در این برهه از آنها به دست آورد، اسناد اجازات است. بخش اعظم این اسناد را صاحب ریاض العلماء، عبدالله افندی اصفهانی جیرانی (متوفی ۱۱۳۰ق/ ۱۷۱۷م) پس از درگذشت استادش ملا محمدباقر مجلسی، از میان نسخه‌های موجود در کتابخانه وی، بر بحارالانوار افزوده است. تحلیل و بررسی اسناد اجازات برای شناخت تاریخ تشیع در فاصله میان شهادت شهیدین در جبل عامل، موضوع کتابی است با عنوان جبل عامل بین‌الشهیدین، نوشته محقق ارجمند شیخ جعفر المهاجر. از آن‌جا که نویسنده، شیوه نوین در باب موضوع مورد نظر پیش گرفته است، دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، کتاب مذکور را به عنوان اثر برتر برگزید. نوشته حاضر مروری بر این کتاب و یافته‌های نویسنده آن است.

است (درباره اهمیت اجازات بنگرید به: مدخل «اجازه» در دانشنامه ایرانیکا، نوشته دین استوارت). از این اسناد چگونه می‌توان بهره گرفت و چگونه می‌توان تاریخ تشیع را بر اساس چنین اسنادی مورد بررسی و تحقیق قرار داد؟ اما آیا این کتاب و آثاری که به عنوان تکمله‌های آن تألیف شده است، می‌تواند پاسخی روشن در اختیار محقق قرار دهد؟ آیا بر اساس این آثار می‌توان تغییرات و تحولات تدریجی در جبل عامل و انتقال یا ثبات مراکز علمی آن را تشخیص داد و تحلیل کرد؟

روحانی لبنانی، شیخ جعفر المهاجر در کتاب ارزشمند جبل عامل بین‌الشهیدین با بررسی اطلاعات مندرج در اجازات، تحولات

فقدان آثاری با نگرش صرف تاریخ‌نگاری، محقق تاریخ تشیع را با دشواری‌های بسیار روبه‌رو می‌کند. با این همه، اگر وظیفه محقق تاریخ را، بازسازی گذشته با توجه به هرگونه اسناد موجود از گذشته بدانیم، محقق تاریخ تشیع نیز، اسناد و مدارک چشمگیری در اختیار دارد؛ از آن جمله، در چند قرن اخیر، اسناد اجازات که خوشبختانه متن بخش قابل توجهی از آنها را شاگرد برجسته علامه مجلسی، میرزا عبدالله افندی اصفهانی در بخش اجازات بحارالانوار گردآوری کرده است و هنوز هم می‌توان، اجازات پراکنده‌ای را در نسخه‌های خطی باز یافت. البته بیش‌تر این گونه آثار، همان متونی است که افندی در پایان بحارالانوار گنجانده



جبل عامل و مراکز علمی را در این منطقه مهم شیعه‌نشین در دو قرن مورد بررسی قرار داده است. مهاجر پس از مقدمه‌ای کوتاه (صص ۷-۱۵) که شامل گزارشی از منابع موجود برای بررسی تاریخ جبل عامل در دوره زمانی مورد بحث است، به طرح این پرسش می‌پردازد که چگونه جبل عامل در فترت میان شهادت «شهیدین» به مهم‌ترین مرکز شیعه تبدیل شد و این اتفاق از چه شرایط اجتماعی در جبل عامل سر برآورد؟

کتاب امل الأمل فی ذکر علماء جبل عامل شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق/ ۱۶۲۳-۱۶۹۲ م) و تکمله‌های آن، از جمله مهم‌ترین مآخذ برای تحقیق در موضوع مذکور است (برای گزارشی از اهمیت کتاب امل الأمل و تکمله‌های که بر آن نگاشته شده بنگرید به: مدخل امل الأمل در دانشنامه ایرانیکا؛ نوشته ژوزف فان اس).

نویسنده نخست (صص ۱۹-۳۰) به جغرافیای تاریخی جبل عامل پرداخته و تحولات تاریخی را در این حد و حدود جغرافیایی، از کهن‌ترین زمان پی‌گرفته است. در همین فصل، مهاجر (ص ۲۵)، به اهمیت اسناد اجازات اشاره کرده و در تعریف اجازه به نقل از بحار الانوار (ج ۱۰۵، ص ۱۶۱) می‌نویسد:

«الکلام الصادر عن المجیز، المشتمل علی إنشائه الإذن بروایة الحدیث عنه، بعد إخباره إجمالاً بمروياته و مشایخه و الکتب و المصنفات التي قرأها أو التي صدر الإذن عن المجیز بروایتها». در غالب اسناد اجازات، به محل و تاریخ اعطای اجازه به تصریح اجازه‌دهنده تصریح شده و همین نکته است که در بررسی تاریخی، به اسناد اجازات اهمیت خاصی می‌بخشد.

به نوشته مهاجر، نسبت «عاملی» پسوند نام و نسب عالمان

این دوره نبوده، بلکه آنها، عموماً به نام محل سکونتشان منسوب بوده‌اند. مانند محمد بن مکی جزینی (۷۸۶ ق/ ۱۳۸۴ م؛ بحار الانوار، ج ۱۰۷، صص ۳۴، ۴۵، ۱۴۰)، پسر عموی او محمد بن محمد بن مؤذن جزینی (بحار، ج ۱۰۸، ص ۳۷)، علی بن حسن بن محمد بن صالح لویزایی منسوب به روستای لویزه (بحار، ج ۱۰۷، ص ۲۰۳)، فرزندش محمد بن علی جبعی (۸۷۳ ق/ ۱۴۷۱ م؛ بحار، ج ۱۰۷، ص ۲۰۳)، علی بن یونس نبطی (۸۷۷ ق/ ۱۴۷۲ م؛ بحار، ج ۱۰۷، ص ۲۰۵)، علی بن محمد بن یونس بیاضی (حدود ۸۵۲ ق/ ۱۴۴۸ م) و محمد بن احمد صهیونی منسوب به روستای صهیون (حدود ۸۶۹ ق/ ۱۴۶۴ م؛ بحار، ج ۱۰۸، ص ۱۷۲).

بنا به نوشته مهاجر (ص ۲۶)، نخستین فقیه اهل جبل عامل که با نسبت «عاملی» از او یاد شده، زین‌الدین بن علی عاملی مشهور به شهید ثانی (۹۶۵ ق/ ۱۵۵۷ م) است. او در اجازه مشهور خود به حسین بن عبدالصمد حارثی، با تاریخ جمادی الآخر ۹۴۱ ق

۱۵۴۳/م با این نسبت از خود یاد، و همین نسبت را در اجازه دیگری به ملا محمود بن محمد لاهیجانی در ایام اقامتش در بعلبک در رجب ۹۵۳/ق داده، تکرار کرده است (برای تفصیل بحث بنگرید به: جعفر المهاجر، ستة فقهاء أبطال، صص ۱۳۱-۱۸۵). هرچند در همین اجازات نیز شهید از خود در پایان اجازه به زین الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی، یاد کرده است. چنانکه مهاجر متذکر شده است، بعدها نیز فقهای عاملی، به محل سکونت خویش منسوب می‌شده‌اند، مانند علی بن عبدالعالی کرکی (۹۴۰/ق/۱۵۳۲م) و فرزندان و نوادگانش که به کرکی شهرت داشتند.

درفصل دوم، با عنوان «جبل عامل در دوران شکل‌گیری و اشغال صلیبیان» (صص ۳۳-۶۰) آبادانی جبل عامل به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. کهن‌ترین گزارش تاریخی در این باب که مهاجر به آن دست یافته، از آن مقدسی است، نویسنده اثر پرآوازه احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تألیف شده در حدود ۳۷۵ ق/ ۹۸۵م. مقدسی ضمن اشاره به قدس و مناطق روستایی اطراف آن، از روستاهای جبل عامل نیز یاد کرده و از آبادانی این منطقه، با تعبیر «ذو قری نفیسة» سخن به میان آورده است. گذشته از دیگر مآخذ، نوشته ابن جبیر (۵۳۹-۶۱۴ ق/۱۱۴۴-۱۲۱۷م) نیز در الرحلة، کامل‌ترین و جامع‌ترین گزارش از روزگاری است که جبل عامل به اشغال صلیبیان در آمده بود و مهاجر، به تفصیل، این گزارش را تحلیل و بررسی کرده است.

فصل سوم، «آغاز نهضت و پیشگامان آن» مشتمل است بر بررسی شرح احوال هفت فقیه ساکن جبل عامل در قرن ششم. مهاجر در این فصل، نظر سیدمحسن امین در خطا جبل عامل (صص ۷۷-۷۸) را مطرح کرده است، مبنی بر اینکه از احوال علمای جبل عامل، پیش از قرن ششم، اطلاعی در دست نیست. به نوشته امین، عالمانی که حرّ عاملی از آنها نام برده است همگی مربوط به قرن ششم به بعد بوده‌اند؛ افزون بر آنکه در میان مشایخ شهید اول، کسی از عالمان عاملی به چشم نمی‌خورد، اما از آن‌جا که در قرن ششم عالمان متعددی در جبل عامل سکونت داشته‌اند، به ظاهر باید پیش از این تاریخ نیز کسانی در آن‌جا بوده باشند. بنا به احتمال دیگری که سیدمحسن امین مطرح کرده، ممکن است عالمان شیعه در نواحی حلب، طرابلس و صیدا، از قرن ششم به

بعد به جبل عامل مهاجرت کرده باشند.

مهاجر ضمن بیان نظرات سیدمحسن امین، تأکید کرده است که برخلاف نظر امین، احوال علمای جبل عامل پیش از قرن ششم به کلی مجهول نیست، اما فرضیه وجود شماری از عالمان شیعی در جبل عامل پیش از قرن ششم بر چه اساسی قرار دارد؟ مهاجر از موضوع مهاجرت فقهای شیعه مناطق دیگر به جبل عامل، به عنوان «احتمال» سخن گفته، اما فقدان اطلاعات کافی را در این باره یادآوری و اشاره کرده که تنها اطلاع ما از مهاجرت فقیهان شیعی به جبل عامل، مهاجرت ابوالقاسم بن حسین بن عود اسدی است؛ واپسین فقیه شیعی ساکن حلب که از آن‌جا به جبل عامل مهاجرت کرده و در جزین سکونت یافته و در سال ۶۷۶ ق/ ۱۲۷۸م. در محل اخیر درگذشته است (محمد راغب طباطبائی، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج ۴، ص ۴۷۹). با اینکه فرضیه امین معقول به نظر می‌رسد، مهاجر آن را نمی‌پذیرد (ص ۶۶) و تحول جبل عامل به مرکز تشیع را مرهون کوشش خود عالمان عاملی می‌داند که البته در مراکز شیعی چون حلب، حله و طرابلس تحصیل کرده‌اند و از این‌رو در ادامه بحث، به ذکر شرح احوال دیگر فقیهان مشهور عاملی می‌پردازد.

نخستین فقیه مورد بحث مهاجر، شهاب الدین اسماعیل بن شرف ابی عبدالله حسین عودی جزینی است که شیخ حرّ عاملی (ج ۱، ص ۴۱) از او با عناوین فاضل، عالم، شاعر و ادیب یاد کرده است. وی در نزد مشایخ شیعه حله دانش آموخت و پس از آن به زادگاه خود جزین بازگشت و در همان‌جا درگذشت. به نظر مهاجر، ابن عودی نخستین فقیه عاملی است و از آثار او (ارجوزه در شرح الیاقوت فی علم الکلام شناخته است. شیخ حرّ، ابن عودی را صاحب آثار دیگری نیز دانسته است، اما چنین به نظر می‌رسد که ارجوزه تنها اثر باقیمانده این فقیه باشد (متن این ارجوزه را آقای محمدرضا انصاری قمی در میراث اسلامی ایران، ج ۸، صص ۵۱۳-۵۳۳ منتشر کرده‌اند).

روشن نیست مهاجر، بنابر چه مأخذی، محمد بن علی بن حسن عودی جزینی (متوفی در حدود ۹۷۵ ق/۱۵۶۷م) را که تنها به سبب نگارش شرح حال شهید ثانی عالمی شناخته شده است، از نوادگان ابن عودی معرفی کرده است. ابن عودی از عالمان شیعی

دوم نیز از جمله آثار مورد استناد علامه مجلسی در بحارالانوار بوده و متن آن، در سال‌های اخیر بر اساس نسخه‌هایی از کتاب منتشر شده است. چنانکه مهاجر اشاره کرده، آثار این فقیه، نخستین تألیفات علمی عالمی است به دست ما رسیده است.

مهاجر در معرفی سومین عالم عاملی، از طومان بن احمد مناری (۷۲۸ق/۱۳۲۷م) نام برده است (در متن چاپی امل الأمل: «طمان بن احمد عاملی» ج ۱، ص ۱۰۳). مهاجر بر اساس دو نقل از شهید اول (بحارالانوار، ج ۱۰۹، صص ۲۰-۲۱) و گفته شیخ حسن بن زین‌الدین جبای که نام این فقیه را بر ظاهر نسخه‌ای، به صورت «یثقی بالله الصمد طومان بن احمد» دیده، نام «طومان» را بر «طمان» ترجیح داده است. مهاجر (ص ۷۲) سپس با ذکر ادله‌ای چنین نظر داده که «طومان» نامی ترکی است و در نتیجه پذیرش این موضوع که این فقیه عاملی است، دشوار می‌شود. درباره این فقیه عاملی این اندازه می‌دانیم که مدتی در حله و در نزد مشایخ امامیه آنجا به تحصیل فقه مشغول بوده و به ویژه در محضر درس محمد بن احمد بن صالح قسینی (۶۶۴ق/۱۲۶۵م) حضور داشته و همراه با ابن حاتم، نزد رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس و جعفر بن سعید حلی به فراگیری فقه امامیه مشغول بوده است. بخشی از اجازه طومان از جعفر بن سعید حلی در دست شیخ حسن بن زین‌الدین جبای بوده و آن را در اجازه کبیره خود آورده است، اما بدون تاریخ دریافت اجازه. به طور طبیعی، طومان بن احمد مناری نیز می‌باید بعد از اتمام درس، از حله به زادگاهش مناره بازگشته باشد. در همان اجازه شیخ حسن جبای، اشاره شده است که پدر شهید اول، مکی بن محمد بن حامد جزینی و نیز علاءالدین بن زهره حلبی، هر دو از شاگردان مناری بوده‌اند. به نظر مهاجر، این دو عالم، در مناره، زادگاه و اقامتگاه مناری به تحصیل فقه در نزد او پرداخته‌اند؛ به استناد این بخش از نوشته شهید اول در اجازه خود: «و قد کان والدی جمال‌الدین ابو محمد مکی من تلامیذ المجاز له، الشیخ العلامة نجم‌الدین طومان، و المترددین الیه ...»، به نظر مهاجر، عبارت «المترددین الیه» به اقامت مناری در مناره اشاره دارد که مکانی نزدیک به جزین بوده است، اما چرا علاءالدین حلبی برای تحصیل فقه به مناره سفر کرده؟ پاسخ این سؤال در بخشی دیگر از اجازه شهید است:

حله است که نام برخی دیگر از اعضای خانواده‌اش را می‌دانیم و مجموعه‌ای ارزشمند از آثاری که افراد این خاندان کتابت کرده‌اند، در نسخه‌ای نفیس در بادلیان باقی مانده است و خانم زابینه اشمیتکه وعده نگارش مقاله‌ای را درباره این نسخه داده‌اند؛ البته استاد محترم آقای سیدحسین مدرسی طباطبایی نیز در گزارشی اعضای این خاندان را معرفی کرده‌اند (مقاوله‌ای در مسئله شیئیت معدوم، در میراث اسلامی ایران، ج ۱، صص ۱۵۹-۱۷۴).

دومین عالمی که مهاجر به شرح حال وی پرداخته، جمال‌الدین یوسف بن حاتم مشغری (متوفی حدود ۶۶۴ق/۱۲۶۵م) است. نسبت «مشغری»، به خوبی دلالت بر هویت عاملی این عالم، یعنی انتساب به روستای مشغره دارد. شهید اول نیز در کتاب الذکری، که تألیف آن را در ۷۸۴ق/۱۳۸۲م. به پایان آورده، از این فقیه عاملی یاد کرده است. مشغری در حله به تحصیل فقه شیعی پرداخت و از مشایخ آن‌جا، چون رضی‌الدین علی بن طاووس در ۶۶۴ق/۱۲۶۳م. و نجم‌الدین جعفر بن سعید اجازه روایت حدیث دریافت کرد. چنانکه مهاجر اشاره کرده است، درباره تحصیلات فقهی ابن حاتم این اندازه می‌دانیم که وی در حله نزد فقیهان برجسته آن دیار، محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (۶۷۶ق/۱۲۷۴م) و یحیی بن احمد بن سعید (۶۹۰ق/۱۲۹۲م) و علی بن موسی بن طاووس (۶۶۴ق/۱۲۶۲م) علم آموخت. به درستی دانسته نیست که آیا ابن حاتم پس از اتمام تحصیلات خود، به مشغره بازگشت یا نه؟ تنها نکته دیگر درباره ابن حاتم این است که وی هنگام اقامت در بغداد، سؤالاتی از شیخ خود، جعفر بن سعید پرسیده و پاسخ‌های جعفر بن سعید به آن سؤالات، به المسائل البغدادیه مشهور بوده و آغاز آن در تکمله امل الأمل (ص ۳۴۵) آمده است.

از آثار ابن حاتم دو اثر به نام‌های الأربعون حدیثاً عن الاربعین رجلاً و کتاب الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم باقی مانده است. شیخ حرّ اشاره کرده (امل الأمل، ج ۱، ص ۱۹۰) که از اثر نخست نسخه‌ای نزد او موجود است و متن کامل آن را دیگر عالم امامی، سید هبة الله بن محمد موسوی در اثر خود به نام المجموع الرائق نقل کرده است. گرچه المجموع الرائق منتشر شده است، اما آقای مهاجر برای این اثر به کتاب الذریعة ارجاع داده‌اند. کتاب

«ان السید الجلیل اباطالب احمد بن ابی ابراهیم محمد بن زهره الحسینی قال: أَنَّ عَمَّهُ السید علاءالدین یروی عن الشیخ الامام نجم الدین طومان بن احمد رواية عامة. وقرأ علیه کتاب الأرشاد». به نظر مهاجر (ص ۷۵)، افول علمی حلب در آن روزگار، موجب شده بود تا عالمی حلبی، برای تحصیل فقه شیعی به جبل عامل سفر کند. مناری در سال ۵۸۰ ق/ ۱۳۲۷ م. در مدینه، پس از اعمال حج درگذشت (امل الأمل، ج ۱، ص ۱۰۳).

صالح بن مشرف طلوسی، عالم عاملی متوفی در اوائل قرن هشتم هجری، دیگر فقیه عاملی است که مهاجر به گزارش زندگی او می‌پردازد. حرّ عاملی (ج ۱، ص ۱۰۲) از او با نسبت «الجبعی» یاد کرده که دلالت بر انتساب او به روستای مشهور جبع یا جباع دارد؛ اما سیدمحسن امین، نسبت او را «طلوسی جبعی» آورده که بر این اساس، می‌توان زادگاه او را روستای طلوسه دانست که نام پیشینش نحاریر بوده است. به نظر مهاجر، حرّ عاملی این عالم را بیشتر به سبب شهرت نواده‌اش شهید ثانی، که به «جبعی» مشهور بوده، با این نسبت یاد کرده و بهتر است این فقیه را، همچون امین، با نسبت «طلوسی» بشناسیم. از این عالم عاملی جز این نمی‌دانیم که حرّ عاملی، او را از شاگردان علامه حلی و جدّ شهید ثانی معرفی کرده است. نوشته‌ی شیخ حرّ مبنی بر اینکه طلوسی نزد علامه حلی (۶۴۸- ۷۲۶ ق/ ۱۲۵۰-۱۳۲۵ م) تحصیل کرده، دلالت بر سفر این عالم عاملی، همچون بسیاری دیگر از عالمان امامی این دوره، به حله دارد.

واپسین فقیه مورد بحث مهاجر، عالم امامی جمال‌الدین ابراهیم بن ابی الغیب بخاری (متوفی حدود ۷۳۶ ق/ ۱۳۳۵ م) است که صفدی افزون بر اشاره به وی در الوافی بالوفیات (ج ۶، ص ۷۶)، اعیان العصر (ج ۱، ص ۱۰۷) از او به عنوان «الفقیه الشیعی» یاد کرده است. ذهبی نیز در شرح حال عالم مشهور حلی، ابوالقاسم بن حسین بن عودی نجیب‌الدین اسدی حلی (متوفی ۶۷۹ ق)، از او نام برده و بی‌تی از قصیده‌ای را که بخاری در رثای حلی سروده بوده نقل کرده است (تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۳۸۲). به نظر مهاجر (ص ۷۹)، بر جد بخاری، زین‌الدین جعفر بن حسام از شاگردان شهید اول بوده و در روستای عینا سکونت داشته و مهاجر افراد دیگری از این خانواده را معرفی کرده است. به نوشته

صفدی، این عالم امامی، در مجدل سلم، یکی از روستاهای صفد، سکونت داشته، از پیشوایان شیعه بوده و نزد ابن عود و ابن مقبل حمصی علم آموخته است. شایسته یادآوری است که نجیب‌الدین ابوالقاسم ابن حسین بن عود حلی اسدی (۵۸۱-۶۷۹ ق/ ۱۱۸۵-۱۲۷۷ م)، واپسین فقیه شیعی ساکن در حلب، به اجبار از آنجا رانده شد و شرح این حادثه را یونینی (ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۲۷۴) و ذهبی (تاریخ الاسلام، ج ۱۵، صص ۳۸۱-۳۸۲) آورده‌اند. وی در جزین اقامت گزید و در همان‌جا درگذشت.

فقیه دیگری که صفدی از او نام برده، مبارک بن یحیی بن مبارک مشهور به مخلص‌الدین غسانی حمصی (۶۵۸ ق/ ۱۲۵۶ م) است و یونینی (ذیل مرآة الزمان، ج ۱، صص ۳۸۵-۳۸۶) نیز او را چنین توصیف کرده است: «کان فاضلاً ادیباً، و له معرفة تامة بالأنساب و هو أحد مشایخ الشيعة، توفي فی ربيع الآخر بجبل لبنان، و کان قد هرب من التتر فأدرکه أجلة».

بی‌شک حیات علمی در جبل عامل با ورود محمد بن مکی جزینی مشهور به شهید اول، دچار تحولی شگرف شد و حوزه علمی تشیع از حله به جزین انتقال یافت. از این رو، مهاجر فصل چهارم کتاب (صص ۱۰۷-۱۴۶) را با عنوان «قهرمان نهضت» به بررسی حیات شهید اول اختصاص داده است. مهاجر نخست به بیان شرح حال شهید اول (صص ۱۰۹-۱۱۸) و تصحیح برخی خطاهای رخ داده در شرح حال او پرداخته و در ادامه بحث، تحولات سیاسی جبل عامل، خاصه مسئله فتح منطقه کسروان را که در روزگار شهید رخ داده، توضیح داده است. چنانکه مهاجر یادآور شده، شهید ثانی سهم چشمگیری در انتقال حوزه علمی شیعه از حله به جبل عامل داشت و شگفت نیست که تعبیری همچون «من تلامیذ الشهید» یا «ممن یروی عن الشهید» را در آثار رجال‌شناسی و اسناد اجازات فراوان می‌توان دید. در حقیقت، شهید اول نسل مهمی از علمای شیعه را تربیت کرد که در تحکیم و تثبیت حوزه علمی جبل عامل نقش بسیار داشته‌اند.

از جمله این فقیهان می‌توان شمس‌الدین محمد ضحاک، محمود مشهور به امیرالحاج، علی بن بشاره شقراوی، حسین بن علی عاملی، عبدالصمد جباعی، علی بن محمد بن یونس بیاضی و حسن فتونی بیاضی را نام برد. بعدها شاگرد مهم شهید اول،

حسن بن عسره کسروانی - که نسبت او در متون مختلف به دلیل ناآشنایی با این نسبت، بسیار تصحیف شده است - و دیگر عالمان عاملی اهل کرک، چون حسین بن هلال کرکی و محمد بن عبدالعالی کرکی، نقش مهمی در تأسیس حوزه علمیه در کرک نوح ایفا کرده‌اند. البته نقش شهید تنها در تربیت نسلی از فقیهان شیعی در جبل عامل نبوده و ابتکارات مهمی نیز در فقه امامیه داشته است و مهاجر (صص ۱۲۹-۱۳۴) به بحث در این باره نیز پرداخته است. مهم‌ترین نظر تهیه توسعه در اختیارات فقیه و وضع اصطلاح «نائب الامام» برای فقیه بود. از جمله مطالب مهمی که مهاجر (صص ۱۴۰-۱۴۲) در این بخش نقل کرده، وصیت‌نامه اخلاقی شهید اول است.

مراکز علمی جبل عامل، یعنی روستاهای جزین، عینا، کرک نوح، میس، جباع و مشغره، موضوع بحث در مفصل‌ترین فصل از کتاب است (صص ۱۴۷-۲۵۹). مهاجر بحث را از جزین آغاز کرده که به سبب اقامت شهید اول در آنجا اهمیت خاصی در تحولات جبل عامل داشته است. کهن‌ترین گزارش درباره جزین، نوشته‌های مورخان اهل سنت است در اشاره به مهاجرت ابوالقاسم بن حسین بن عود اسدی حلی که به دلایلی مجبور به مهاجرت به جزین شده بود و در آنجا مورد احترام جامعه شیعیان قرار گرفت. ذهبی ضمن اشاره به مهاجرت حلی به جزین در اشاره به موقعیت او در آنجا نوشته است: «... ثم انه اقام بجزین مأوی الرافضة، فاقبلوا علیه و ملکوه بالاحسان» (تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۳۸۲). در ادامه، مهاجر (صص ۱۵۶-۱۶۰) گزارشی از عالمانی که در جزین به تحصیل مشغول بوده‌اند، آورده است؛ از میان آنان، حسن بن عسره کسروانی نقش مهمی در تداوم تلاش‌های شهید داشته است. عینا که پیش‌تر مهاجر در بحث از بخاری به اهمیت این شهر اشاره کرده بود، دومین محلی است که نویسنده

کتاب از آن بحث کرده و فهرستی از عالمان ساکن در آنجا، در فاصله میان شهادت شهید اول و ثانی به دست داده است (صص ۱۶۱-۱۷۵).

مهاجر در باره کرک نوح (صص ۱۷۶-۲۰۰) از مهم‌ترین

مناطق جبل عامل، با تفصیل بیشتری بحث کرده است. وی پس از گزارشی کوتاه از وضعیت سیاسی و چند اطلاع تاریخی درباره کرک نوح، از عالمی به نام حسین بن محمد بن هلال کرکی سخن به میان آورده است که از شاگردان شهید اول بود و در حله نزد او علم آموخت و در ۱۲ شعبان ۷۵۷ اجازه دریافت کرد.

اطلاعات ما درباره شمس‌الدین محمد بن عبدالعالی کرکی دیگر عالم عاملی نیز که ظاهراً در کرک نوح اقامت داشته، اندک است. به گمان مهاجر، نقش محوری در تحولات کرک نوح را شاگرد کمتر شناخته شده شهید اول، عزالدین حسن بن یوسف مشهور به ابن عسره کسروانی ایفا کرد. ابن عسره نزد دو تن از شاگردان شهید اول، حسن بن ایوب مشهور به نجم‌الدین اعرج و علی بن محمد بن عبدالعلی بن نجه علم آموخت چنانکه مهاجر اشاره کرده، ابن عسره، در نزد شاگردان شهید اول در جزین درس خوانده و احتمالاً در کرک نوح به فراگیری فقه نزد محمد عریضی پرداخت. از نوشته شاگرد ابن عسره، محمد بن احمد صهیونی که در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی اشاره کرده و اینکه، ابن عسره نزد نظام‌الدین علی بن احمد نیلی دانش آموخته بود، می‌توان دریافت که ابن عسره مدتی نیز در حله بوده است. مهاجر به نقش مهم ابن عسره در تقویت حوزه کرک نوح پرداخته و به تفصیل از روابط میان ابن فهد حلی و ابن عسره سخن به میان آورده است (صص ۱۸۲-۱۸۴).

مهاجر در ادامه بحث، از شاگردان ابن عسره یاد کرده است: نخستین شاگرد مورد بحث مهاجر، محمد بن اسکاف کرکی است که اطلاعات بسیار اندکی درباره او در دست است، اما دانسته‌های ما درباره دیگر شاگردان ابن عسره (متوفی ۸۲۶ ق/ ۱۴۵۷ م)، فزون‌تر است. بی‌گمان، مشهورترین این شاگردان، چنانکه مهاجر نیز اشاره کرده، محمد بن علی جباعی (۸۷۶ ق/ ۱۴۷۱ م) است. او به سبب تألیف مجموعه جباعی شهرت بسیار داشته و بعدها فقیهان برجسته‌ای از میان فرزندانش برخاسته‌اند که مشهورترین آنها شیخ بهایی (۱۰۳۰ ق/ ۱۶۲۱ م) است.

از دیگر شاگردان ابن عسره،



محمد بن محمد بن مؤذن جزینی، محمد بن احمد صهیونی، محمود بن امیرالحاج و علی بن هلال جزائری هستند (مهاجر، صص ۱۸۷-۱۸۹). از میان شاگردان او، بی‌گمان علی بن هلال جزائری نقش مهمی در بقا و حفظ حوزه کرک نوح داشته است. مشهورترین شخصیت کرکی، بی‌گمان علی بن عبدالعالی، مشهور به محقق (۸۷۰-۹۴۰ ق/۱۴۶۵-۱۵۲۳ م) کرکی، سرسلسله خاندان اعرجی کرکی است که نقش مهمی در تحولات سیاسی ایران عصر صفویه ایفا کرد. مهاجر در کتاب سته فقهاء ابطال به تفصیل از او یاد و در کتاب حاضر (صص ۱۹۴-۱۹۹) به اختصار در این باب بسنده کرده است. نخستین فرد شناخته شده از خاندان کرکی، نجم‌الدین حسن بن ایوب اطراوی است که از شاگردان شهید اول بوده و خود، کسانی چون جعفر بن حسام عینائی و حسین بن یوسف بن عشره کسروانی را تربیت کرده است. از جمله نوادر آثار مربوط به اطراوی، کتابی است که شاگرد اطراوی، علی بن علی فقعی (۸۵۵ ق/۱۴۵۱ م) - منسوب به روستای فقیه در ساحل صور - تألیف کرده است. این کتاب که مسائل الیقین نام، و به «مسائل ابن طی» شهرت دارد، مشتمل است بر فتاوی شهید اول و اطراوی در برخی مسائل فقهی. پس از او، فرزند اطراوی، جعفر بن فخرالدین حسن بن ایوب اطراوی است که از او نیز اطلاع چندانی در دست نیست. آوازه این خاندان، در زمان حسن بن جعفر بن حسن بن اعرج (۹۳۹ ق/۱۵۳۲ م) به اوج رسید. وی در میس نزد علی بن عبدالعالی میسی که تنها اجازه اوست، علم آموخت. او همچنین نزد خاله‌زاده خود، علی بن عبدالعالی کرکی (۹۴۰ ق/۱۵۳۳ م) نیز تحصیل و بعدها با دختر او ازدواج کرد. از جمله شاگردان او، که البته در طریق اجازه آنها قرار دارند، زین‌الدین بن علی جباعی، حسین بن عبدالصمد حارثی و علی بن هلال مشهور به منشار کرکی (۹۸۴ ق) را می‌توان یاد کرد. اطراوی گرچه خود به ایران مهاجرت نکرد، اما فرزندش میرحسین کرکی (۱۰۰۱ ق) با مهاجرت به ایران نقش مهمی در ساختار دینی حکومت صفویه داشت. مهاجر در کتاب دیگرش: الهجرة العاملیة الی ایران فی العصر الصفوی: اسبابها التاریخیة و نتائجها الثقافیة و السیاسیة اشاره‌هایی به او کرده است.

میس، چهارمین منطقه‌ای است که مهاجر به بحث از آن

پرداخته است. البته شهرت اصلی این منطقه به سبب فقیه برجسته آن علی بن عبدالعالی میسی مشهور به ابن مفلح (۹۳۸ ق/۱۵۳۱ م) است که بعدها فرزندان او به ایران مهاجرت کردند و شهرت بسیاری به دست آوردند. میسی خود نزد محمد بن محمد بن مؤذن و محمد بن احمد صهیونی، شاگردان ابن عشره در کرک نوح تحصیل کرده بود و اجازات او از این استادان او باقی مانده و متن آنها را افندی در بخش ملحقات بحار الانوار آورده است. میسی تألیفات چندی نیز داشته است؛ از جمله آنها، مهاجر به شرح رساله صیغ العقود والایقعات - که شرحی بر رساله صیغ العقود والایقعات علی بن علی فقعی - شرح الجعفریة علی بن عبدالعالی کرکی، و شرح قواعد علامه حلی اشاره کرده است. همچنین وی رساله‌ای به نام المیسیه داشته و صاحب اعیان الشیعه (ج ۸، ص ۲۶۲) از آن به عنوان کتابی که «ینقل عنها العلماء کثیراً» یاد کرده است، اما البته ظاهراً نسخهای از آن موجود نیست. مهاجر شرح کوتاهی نیز درباره شاگردان میسی آورده است (صص ۲۰۴-۲۰۵).

تاریخ درگذشت میسی را افندی به نقل از مجموعه جباعی چنین آورده است: «توفی شیخنا الامام العلامة التقی الورع الشیخ علی بن عبدالعالی المیسی، اعلی الله مقام نفسه الزکیة، الاربعاء عند منتصف اللیل. و دُخِلَ قبره الشریف بجبل صدیق النبی، لیلة الخمیس الخامس او السادس و العشرین من شهر جمادی الاولی سنة ثمان و ثلاثین و تسعمائة» (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۲۱). بنابراین، تاریخ ۹۳۳ ق. در کتاب شیخ حر عاملی، جای تردید دارد. در پایان (ص ۲۰۷) مهاجر به اختصار از نوادگان میسی که به ایران مهاجرت کرده و نقش مهمی در ساختار دولت صفویه داشته‌اند، یاد کرده است. مسجد شیخ لطف‌الله میسی در اصفهان که یکی از بناهای زیبای بازمانده از عصر صفویه است، خود نشانه آشکاری از حضور آنها در ایران است.

در پنجمین مرکز علمی در جبل عامل، جبع یا جباع، از میانه قرن نهم هجری از وجود عالمی بنام، یعنی محمد بن علی جباعی (۸۸۶ ق/۱۴۸۷ م) در آن ناحیه اطلاع داریم. نام وی در اجازه علی بن علی بن طی (۸۵۵ ق/۱۴۵۱ م) به وی، با چنین القابی آمده است: «محمد بن الشیخ العلامة، ابی الفضائل، زین‌الدین و الدین، شرف الاسلام و المسلمین علی بن الشیخ بدرالدین حسن،

علی عاملی مشهور به شهید ثانی (۹۶۵ق) نیست. واپسین منطقه جبل عامل که مهاجر از آنجا بحث کرده، بخش مشغره است که پیشتر از یوسف بن حاتم مشغری به عنوان یکی از عالمان آن منطقه بحث شد. بحث اصلی مهاجر در این بخش، گزارشی است درباره محمد بن حسین بن محمد بن محمد بن مکی (۹۰۳ق/۱۴۹۸م) نیای خاندان آل حرّ. مهاجر به تفصیل از افراد شناخته این خانواده که برخی از آنها به ایران نیز مهاجرت کردند، سخن به میان آورده است. مشهورترین شخص در این خاندان، شیخ حرّ عاملی است که در مشهد شیخ الاسلام بوده و آثار گوناگونی به رشته تحریر درآورده که مشهورترین آنها وسائل الشیعه است.

پس از جمع بندی (صص ۲۵۳-۲۵۹)، پیوست، کتاب مشتمل است بر اشعار ابن ابی الغیث بخاری: اشعار او در رثای استادش ابوالقاسم بن حسین بن عود حلی (به نقل از ذیل مرآة الزمان، ج ۳، صص ۴۳۵-۴۳۶) و قصیده‌ای که او به مناسبت خبر اعلان تشیع در ایران از سوی سلطان محمد خدابنده سرود. کتاب‌شناسی منابع، فهرست اعلام و فهرست کتاب، بخش‌های پایانی این اثر است. کتاب جبل عامل بین الشّهادین بی‌گمان اثری است ارزنده برای علاقه‌مندان به تاریخ تشیع و تحقیقی ارزشمند برای پژوهشگران عصر صفویه و به ویژه بحث مهاجرت فقهای جبل عامل به ایران در عهد صفویه به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در آن برهه. آن چه بر اهمیت این کتاب می‌افزاید تخصص نویسنده محترم است که پیش‌تر در کتاب‌های التّأسیس لتاریخ الشیعة فی لبنان و سوریه (بیروت، ۱۹۹۲م)، جبل عامل تحت الاحتلال الصلیبی (بیروت، ۲۰۰۰م) و کتاب سته فقهاء أبطال (بیروت، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م) جنبه‌های دیگر این مسائل را موضوع بحث قرار داده بود.

الشّهر بالجبعی»، اما ظاهراً عالم مذکور جبعی الاصل نباشد و افراد این خانواده پیش‌تر در منطقه‌ای دیگر از جبل عامل زندگی می‌کرده‌اند؛ به نظر مهاجر، بدین سبب که فرزند این عالم، در ثبت گزارش تاریخ وفات پدرش، نوشته است: «و مات والدی علی بن الحسن بن محمد بن صالح اللویزائی فی جمادی الاولی سنة ۸۶۱». نسبت «اللویزائی» اشاره است به روستای لویزه که البته محلی نزدیک به جبع و در جنوب آن واقع است. اطلاعات دقیق‌تر درباره این خانواده را تقی‌الدین ابراهیم کفعمی (۹۰۵ق/۱۴۹۹م) برادر محمد در کتاب الجنه الواقیه و الجنة الباقیه آورده که در آن‌جا در معرفی خود می‌نویسد: «الکفعمی مولداً، اللویزی محتداً، الجبعی أباً». این عبارت به صراحت دلالت دارد که اصل خانواده از روستای لویزه است و بعدها در جبع اقامت گزیده‌اند.

فرزندان علی بن حسن جبعی، تقی‌الدین ابراهیم مشهور به کفعمی (منسوب به روستای کفرعیما)، احمد و محمد جملگی اهل علم بوده‌اند. اشاره مهاجر (ص ۲۱۰) به کفعمی، با وجود کثرت آثار باقیمانده از این عالم عاملی، بدین سبب که در جبع اقامت نداشت، کوتاه است. اما به شرح حال محمد پرداخته که در کرک نوح نزد ابن عشره کسروانی علم آموخت و به تصریح خودش، متون فراوانی را نزد ابن عشره قرائت کرد: «قرأت علیه کثیراً». مهاجر (ص ۲۱۱) در ادامه، توضیحاتی درباره محمد به نقل از یادداشت‌های وی از مجموعه جباعی آورده است. مهاجر به عنوان پایان بخش این بحث، گزارش کوتاهی از مجموعه ارزشمند جباعی و اهمیت آن ارائه کرده است (صص ۲۱۳-۲۱۴).

در بحث از دیگر عالمان مشهور جبع یا جباع، مهاجر از علی بن احمد بن حجه نحاری (۹۲۵ق/۱۵۱۹م) - منسوب به روستای نحاریر (طلوسه)، - یاد کرده است که شاگرد ظهیرالدین بن علی بن حسام عینائی در عینا و علی بن عبدالعالی میسی در میس و استاد نجم‌الدین تراکیشی مشغری و فرزندش زین‌الدین مشهور به شهید ثانی بود. نویسنده، همچنین در چند سطر، به حسین بن ابی الحسن جباعی (۱۵۵۵/۹۶۳) سرسلسله چندین خانواده عاملی و عبدالصمد بن احمد جباعی (۸۵۵-۹۳۵ق/۱۴۵۱-۱۵۲۸م) پرداخته است. شخصیتی که بحث اصلی مهاجر را به خود اختصاص داده است (صص ۲۱۵-۲۲۷) کسی جز فقیه نامور جباعی، زین‌الدین بن

